

آزیر خطر نبود خودروی نردبان امداد در شیروان

## نجات ۲۹ شیروانی گرفتار در آتش

عوض زاده

در پی آتش سوزی در پارکینگ یک مجتمع مسکونی در خیابان ساحلی شیروان ۲۹ نفر در آتش و دود گرفتار شدند که به دلیل نبود خودروی نردبان امداد ساکنان این مجتمع به سختی از مرگ نجات یافتند و ۱۴ نفر از آنان راهی بیمارستان شدند و یکی از مصدومان این حادثه به علت سقوط از ارتفاع در کما به سر می برد. رئیس آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیروان به همراه معاون عملیات آتش نشانی با حضور در دفتر

روزنامه خراسان شمالی در شیروان به تشریح این حادثه پرداخت و گفت: در پی اعلام وقوع آتش سوزی در ساعت ۲:۴۵ بامداد چهارشنبه به آتش نشانی شیروان، خودروهای اطفای حریق از سه ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند و شروع به اطفای حریق و انجام عملیات امداد و نجات کردند. «جعفر حیدری» با اشاره به رسیدن اولین خودروی آتش نشانی در کمتر از سه دقیقه به محل حادثه و با بیان این که آتش سوزی در پارکینگ ساختمان به وقوع پیوسته بود، افزود: سه خودروی پژو ۴۰۵، ۲۰۶ و پراید دچار حریق شده

بودند که بلافاصله بعد از حضور آتش نشانان آتش اطفاء شد اما با توجه به این که آتش در بامداد رخ داده بود تا اطلاع ساکنان و به تبع آن اطلاع آتش نشانی دقایقی از وقوع آتش سوزی گذشته بود. وی همچنین اعلام علت وقوع این حادثه را به بعد از بررسی های بیشتر موکول کرد. وی با بیان این که در این حادثه آتش نشانان به دلیل نبود نردبان بالابر مجبور به خارج کردن ساکنان از طبقات توسط جرثقیل شدند، افزود: در این حادثه ۲۹ نفر از ساکنان از پنجره و تراس طبقات مختلف به خارج



عمومی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی تا ظهر روز گذشته خانمی که دچار سانحه سقوط شده بود در کما به سر می برد. همچنین به گزارش خبرنگار ما، روز گذشته فرماندار شیروان از ساختمان لاریسا بازدید کرد و به مسئولان دستگاه های ذی ربط دستور داد در اسرع وقت مشکلات ساکنان رفع شود.

وی ادامه داد: مکاتبات زیادی برای تهیه نردبان بالابر صورت گرفته و شهرداری نیز پیگیر موضوع است اما به دلیل تأمین نشدن اعتبار هنوز موفق به خرید نردبان بالابری که به ۶ تا ۷ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد نشده ایم ضمن این که حتی مرکز استان نیز از داشتن نردبان بالابر محروم است. به گزارش روابط

## دختری بعد از خاکستر نشینی

صدیقی

هر شب خواب مادرم را می بینم و تا می خواهم در آغوشش بگیرم از خواب می پرم. خیلی دلم گرفته است و تنها شده ام. نزدیک سالگرد فوت مادرم است.

دلم برای اخم کردن هایش و حتی چروک پیشانی اش تنگ شده و هر بار که سر مزارش می روم با او حرف می زنم و از غصه هایم و تنهایی ام می گویم و از پدرم که ۵ سال است من را ترک کرده گلایه می کنم و با این کار کمی سبک می شوم. دختر نوجوان با فرو بردن بغض اش کمی مکث می کند و دوباره لب به سخن می گشاید و درباره ادامه ماجرای زندگی به تاراج رفته اش توسط مواد افیونی می گوید: پدر و مادرم هر دو معتاد بودند. از زمانی که دنیای اطرافم را شناختم غیر از دود و تاریکی چیزی ندیدم.

خانه مایاتوق افراد هنجارشکن و بی مسئولیت شده بود که در ازای دریافت مبلغی روح و تن شان را به شیطان می فروختند. پدرم مرتب از سوی مأموران اختار می گرفت که بساط ناهنجاری هایش را جمع کند اما کار خودش را می کرد و هر بار بعد از

پلمب خانه، پدرم به زندان می افتاد. مادرم شیشه مصرف می کرد و به جای شیشه شیر، ماده مخدر شیشه را به من می داد. از دست افراد لایابالی که به خانه ما رفت و آمد داشتند وحشت داشتم و هر بار که شیطان در وجودشان رخنه می کرد و قصد شومی در سر داشتند از ترس به خانه مادر بزرگم پناه می بردم. همسایه ها هم مثل من از دست رفتار پدرم به ستوه آمده بودند و آه و نفرین شان مدام پشت سرمان بود. ۷ ساله شده بودم و باید به مدرسه می رفتم ولی انگار نه انگار که من کلاس اولی شده ام. توسط خانواده ام معتاد شده بودم و تنم مدام به خاطر خماری تیر می کشید و مغزم هنگ می کرد. سر کلاس هوش و حواسم پی مواد بود. پدر و مادرم به جای کمک کردن در یادگیری درس هایم برایم سیخ و سنجاق آماده می کردند. هر بار که شوهر خاله ام می خواست من را تحویل خوابگاه بهزیستی بدهد پدر و مادرم اجازه این کار را نمی دادند تا این که پدر و مادرم به خاطر تکرار دایر کردن لانه فساد به زندان افتادند. پدرم قبل از اعتیادش کار و کاسبی درستی داشت و از این طریق صاحب خانه و ماشین شده بود اما بعد از اعتیاد خانه و کاشانه

اش را از دست داد و دوستان روپاه صفت اش هنگام نشسته، خانه را از چنگ اش در آوردند و از هست و نیست او را ساقط کردند. بعد از زندانی شدن پدر و مادرم پیش مادر بزرگم رفتم و چند ماهی مهمان او شدم. اعتیاد داشتم و تهیه هزینه مواد برای مادر بزرگم که او هم اعتیاد داشت کاری سخت و دشوار بود. بعد از این ماجرایکی از بستگانم من را تحویل یک نهاد حمایتی داد. شب ها و روز های اول به خاطر اعتیادم سخت می گذشت و تمام بدنم درد می کرد. چون ستم کم بود قرض خواب می خوردم و می خوابیدم تا راحت تر با ترک اعتیاد کنار بیایم. بالاخره بعد از چند ماه از شدت مواد افیونی خلاص شدم. پدرم و مادرم بعد از چند سال حبس کشیدن از زندان آزاد شدند. مادرم بعد از این اتفاق راهش را از پدرم جدا کرد و با فردی دیگر مدتی زیر یک سقف زندگی کرد. هر هفته مادرم به من سر می زد اما از پدرم خبری نبود. مادرم سعی کرد من را پیش خودش ببرد اما چون معتاد بود این کار عملی نبود. دلم برای پدرم تنگ شده بود و هر روز چشم انتظارش بودم. بعد از مدتی با کمک و حمایت مددکاران آن نهاد مشغول درس خواندن شدم. احساس تنهایی بد جور من را آزار می داد برای



همین دنبال یک همدم از جنس مخالف بودم. در مسیر مدرسه با پسری آشنا شدم که همدم تنهایی هایم شد. هر روز بعد از مدرسه با هم صحبت می کردیم. بعد از آشنایی مان روز به روز افت تحصیلی پیدا کردم. روزی پسر غریبه از من خواست به پارک نزدیک خوابگاهم برویم و مدت زیادی طول نکشید که در آن جا توسط پلیس دستگیر شدیم. با دستگیری مان همه چیز به هم ریخت و آبروی من جلوی مسئول خوابگاه رفت اما از یک طرف پایان این رابطه عاطفی به سودم تمام شد و باعث

شد دوباره روی درس هایم تمرکز و افت تحصیلی گذشته ام را جبران کنم. مادرم در خانه یک سالمند برای انجام کارهایش مشغول به کار شد و با حقوقی که می گرفت برایم خوراکی و لباس می خرید اما از پدرم خبری نبود. مادرم هر هفته به دیدنم می آمد و تنها فوت قلبم در زندگی ام بود تا این که بعد از مدتی از مادرم هم خبری نشد و خیال کردم او هم مثل پدرم از من سیر شده و من را برای همیشه ترک کرده است. در این فکر و خیالات بودم تا این که به من خبر مرگ مادرم را دادند. او در آتش سوزی خانه پیرزنی که پیش اش کار می کرد دچار سوختگی شده بود و بعد از مدتی بستری شدن در بیمارستان فوت کرد. بعد از شنیدن این خبر هولناک خیلی دلم شکست و ترس تنهایی به خاطر از دست دادن تنها امیدم تمام وجودم را گرفت. فقط گریه می کردم و شب ها خوابم نمی برد. آرام و قرار نداشتم و دچار افسردگی شده بودم. بعد از فوت مادرم به دنبال پدرم گشتم و از بستگانم شنیدم که به خاطر اعتیادش کارتن خواب شده است اما موفق به دیدارش نشدم. حالا ۵ سال است که چشمم به در دوخته شده تا شاید یک بار هم شده پدرم را ببینم. تصمیم گرفته ام زمانی که مستقل شدم به دنبال او بگردم و بعد از پیدا کردنش او را پیش خودم ببرم تا با هم زندگی جدیدی را بسازیم. الان سعی می کنم به خوبی درس بخوانم تا در رشته مورد علاقه ام قبول و وارد دانشگاه شوم.

### فوت عابر پیاده در حوالی گود چشمه زینل خان

**نجفیان-** رئیس اداره حوادث و فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اسفراین از فوت یک عابر پیاده در برخورد با وانت نیسان در جوار گود چشمه زینل خان اسفراین خبر داد. «سید حبیب حسینی» با اشاره به این که قربانی مرد ۳۶ ساله اهل درگز بود که برای تماشای کشتی با چوخه مهمان گود چشمه زینل خان اسفراین بود، افزود: هرچند پس از انتقال مصدوم به بیمارستان، برای احیای او تلاش شد اما به دلیل شدت جراحات وارد شده فوت کرد.

### کشف ۱۵ تن چوب قاچاق

**صدیقی-** ۱۵ تن چوب قاچاق در استان کشف و ضبط شد. مدیر کل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی با بیان این خبر افزود: مأموران پلیس آگاهی استان طی گشت زنی و بازرسی از یک کامیون حاوی چوب در بجنورد موفق به کشف محموله قاچاق به وزن ۱۵ تن شدند. «سیدالموسی» با بیان این که ارزش کالای کشف شده ۲۵ میلیون ریال است، اظهار کرد: پرونده تشکیل شده از سوی مراجع انتظامی به تعزیرات استان ارجاع داده شد و در شعب ویژه مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای صدور حکم برای متخلف در حال رسیدگی است.

«آیا میدانید؟؟؟ اکثر بیماران مبتلا به سرطان تحت پوشش **عظوفت** می باشند.



**نقطه اتصال**

**نیکی هاست ...**

بجنورد، دوجنار، خیابان برنجی روابط عمومی: ۷۳۳۳۷ ۳۲۲۲۴ - ۵۸  
اسفراین، خیابان امام رضا، امام رضا ۷ تلفن: ۷۳۷۲۴ ۲۲۳۹ - ۵۸

شماره کارت عابر بانک پاسارگاد: ۵۰۲۲۲۹۱۰۱۳۲۲۰۲۴۷  
شماره کارت عابر بانک پارسیان: ۶۲۲۱۰۶۱۰۸۰۰۱۴۴۸۵  
شماره حساب جام بانک ملت: ۸۷-۳۳۶۶۳۳۶۶  
شماره حساب بانک پارسیان: ۷۳۰۴۳۶۴

### آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت

خانم حوا حصاری فرزند امیر حسین برابر و کالتنامه شماره ۳۵۶۲۵ مورخ ۰۹/۰۶/۱۳۹۶ دفترخانه ۹ بجنورد به وکالت از آقای خداداد کچرانلوئی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۹ و شماره ملی ۰۶۸۲۰۵۸۶۹۶ صادره از بجنورد برابر مشروحه شماره ۹۶/۲۶۳۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۳ با تسلیم دو برگ استشهاده که صحت امضاء شهود مذکور در آن در دفتر اسناد رسمی شماره ۹ شهرستان بجنورد گواهی شده است مدعی شده اند که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۱۳۶۱ فرعی از ۱۷۳ اصلی واقع در بخش دو بجنورد به شماره چاپی ۹۸۹۴۱۵ به علت جابجایی مفقود شده است و برابر اسناد رهنی شمارات ۳۳۲۹۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۹ و ۳۳۶۱۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۳ دفترخانه ۹ بجنورد در رهن بانک مسکن شعبه چمران بجنورد می باشد درخواست صدور سند المثنی نوبت اول نموده. لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می شود تا هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنان چه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد.

۱۳۹۷/۰۳/۰۳

علیخان نادری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد

تاریخ انتشار: ۱۶/۰۱/۹۷

۹۷۰۰۲۲۸۸

**گالری پرده ماهان**

**نقد و اقساط**

✱ طراحی، دوخت، نصب  
✱ انواع کاغذ دیواری، پارکت  
✱ انواع کرکره های عمودی و افقی و ...  
✱ کفپوش، موکت، دیوار کوب، پوستر و ...

**دوخت رایگان**  
(به مدت محدوده)

پیتنورد : چهارراه قیام (۱۵ فرداد) ، جنب رستوران مانج مسین  
تلفن: ۰۹۱۵۳۸۶۲۹۹۷  
www.gallerypardemahan.ir  
Telegram.me/gallerypardemahan

مردم خواهان تبلیغاتی هستند که در آنها اصالت، انسان گرایی، واقع بینی، صداقت، همخوانی با دنیای مخاطب و همدلی با او بیشتر است

**خود را به جای مشتری بگذارید و موقعیت و وضعیت او را درک کنید**

**قابل توجه**

**مودیان محترم مالیات بر ارزش افزوده:**

**مهلت ارایه الکترونیکی اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده دوره زمستان ۹۶ از طریق سامانه www.evaf.ir حداکثر تا پایان فروردین ۱۳۹۷ جاری می باشد.**

**روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی خراسان شمالی**

۱۵۸۸۵۳